



**اهمیت انتخابات به اندازه اهمیت نظام است**

مرتضی مقتدایی، قائم مقام جامعه مدرسین در دیدار اعضای مجمع هماهنگی پیروان امام و رهبری استان قم گفت: «انتخابات پیش رو با انتخابات دوره های قبل متفاوت است؛ چراکه زمان حساسی است و انقلاب در معرض اتهام و خطر قرار گرفته است. بنابراین وظیفه مهمی در پیش داریم.» او ادامه داد: «دشمنان سرسختی داریم که می خواهند این نظام را سرتنگ سازند. بنابراین شرکت در این انتخابات یک تکلیف و وظیفه شرعی الهی است. اهمیت این انتخابات به اندازه اهمیت خود نظام است؛ چراکه شرکت در انتخابات سبب تقویت نظام می شود و تقویت نظام واجب است.»



**گرانی داریم اما وضع دشمن بدتر از ماست**

مهدی طائب، رئیس شورای قرارگاه راهبردی عمار در مراسمی که به مناسبت گرامیداشت فرارسیدن دهه فجر در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) محلات برگزار شد، گفت: «امداد رسانی خداوند به مومنین تنها به این معنی نیست که دشمن درگیری مستقیم نباشد بلکه یکی از بالاترین مدهای الهی برای مومنین این است که دشمن را اشتباه یا اقدام وادار کند. تحمیل جنگ از سوی عراق به کشور باعث شد تا ما بیدار شویم و از نظر توانمندی نظامی در موقعیت کنونی قرار بگیریم.» او این، غزه و حزب الله را خط مقدم امروز دانست و گفت: «ایران پستوانه جبهه مقاومت است. اگر دشمن از ما بدتر است. یکی از راه های درآمد اسرائیل از صنعت تورسم بود که سالانه بین ۱۵ تا ۲۱ میلیارد دلار درآمد داشت اما از زمان عملیات غزه، این صنعت کاملاً تعطیل شد. افرادی هم که در حال جنگ هستند، کارگران کارخانه های تعطیل شده بر اثر آتش حزب الله هستند. اقتصاد اسرائیل دچار رکود شده است.»



**ائتلاف لاریجانی و روحانی منتفی است**

منصور حقیقت پور، مشاور علی لاریجانی در گفتگو با اصلاحات نیز درباره ادعای اخیر روزنامه ایران مبنی بر اینکه لاریجانی و روحانی قرار است با یک ائتلاف برای انتخابات مجلس لیست ارائه دهند، گفت: «ائتلاف زمانی می تواند رخ دهد که آنها در سید رای شان آورده اند داشته باشند. این دو لیستی که اعلام شده اند پلو و خورش نیستند بلکه سالاد هستند، یعنی تأمین کننده نیازهای اصلی فضا و انتخابات پرشور شدن و رقابتی کردن برگردانند.» او با بیان این موضوع که جریانی که حذف زیادی در آن صورت گرفته، توانایی ایجاد یک ائتلاف ملی در قبال جریان اصولگرا که اغلب آنها تأیید صلاحیت شده اند را ندارند، گفت: «بحث ائتلاف منتفی است. به ندرت افرادی هستند که داوطلب می شوند و ممکن است صدایی هم داشته باشند اما اینکه بخواهند مجلس را چندضلعی کنند، ندارند. مجلس آینده یک مجلس تک ضلعی شبیه به مجلس فعلی خواهد بود.»

۳. نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دور اول انتخابات و انتخاب شدنش به عنوان نائب رئیس اول در سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰
۴. نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دور چهارم در سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵
۵. وزیر بازرگانی در دولت شهید رجایی و کابینه موقت آیت الله مهدوی کنی و دوره اول نخست وزیری میرحسین موسوی از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۰
۶. ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰
۷. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲
۸. ریاست هیئت منصفه مطبوعات
۹. ریاست شورای معتمدین امام و رهبری در بازار و اصناف
۱۰. عضویت در هیئت های مؤتلفه اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵
۱۱. عضویت در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی
۱۲. تشکیل مجدد حزب مؤتلفه اسلامی و دبیرکلی آن
۱۳. دبیرکلی جبهه پیروان خط امام و رهبری.

**پس از ۸۸**

عسگر اولادی پس از وقایع سال ۸۸ در مورد مرحوم هاشمی گفته بود: آقای هاشمی فسنجانی یک مجتهد سیاسی است و در طول زندگی خود در زمان امام و در حال حاضر همواره تابع ولی فقیه بوده است. برخی سختگیری هایی که مورد آیت الله هاشمی فسنجانی انجام می دهند، می خواهند ایشان را شهروندی بی شناسنامه کنند که نباید اینطور باشد. آقای احمدی نژاد در یک سمت اصولگرایی و آیت الله هاشمی نیز در طرف دیگر اصولگرایی است.

عسگر اولادی در ماه های پایانی عمر خود در دیدار با جوانان حزب مؤتلفه طی سخنانی در مورد بنی صدر، میرحسین موسوی و مهدی کروبی و محمود احمدی نژاد گفته است: عمر من مثل آفتاب لب بام است و دیری نخواهد پایید و همه این چیزها را با خودم به زیر خاک می برم و کل شما اعضای شورای مرکزی هم نمی توانید جواب قیامتی مراد دهید. من باید خودم برای قیامت جواب داشته باشم. در تاریخ باید مثبت ها و منفی های بنی صدر را بنویسد. سال ها بود که در روزنامه و رسانه ای اسم بنی صدر نمی آمد و من مطرح کردم و گفتیم: «بنی صدر مثبت هایی داشته است و منفی هایی، چون تاریخ باید دقیق نوشته شود.»

گفتم، یکی از مثبت های بنی صدر این بوده که توانسته است در اول جمهوری اسلامی بالای ده میلیون تن از مردم را پای صندوق های رای بیاورد. در جبهه براساس معرفت و علم خودش توانسته است کارهایی بکند. بله، بی اشتباه هم نبود. من فکر می کنم مثبت هایی دارد و تاریخ باید بنویسد، اما منفی های هم دارد و یکی از منفی های این است که در تولی به ولایت شکست خورد و نتوانست ادامه بدهد و خودش را رفته رفته بالاتر از مقام ولایت می دانست.»

«آباد درون ما کسانی مثل مهندس موسوی، مثل حجت الاسلام والمسلمین کروبی می توانند فتنه ساز باشند؟ بنده اعلام کردم خیر! من اینها را فتنه ساز نمی شناسم. اهل فتنه به وسیله عوامل پیگانه، اطراف اینها را گرفتند و اینها مفتون هستند، یعنی فتنه زده.» وی این دور رهبر مخالفان دولت را «برادر» خطاب کرده و گفت: «من به عنوان یک شهروند اظهار نظر کردم و به عنوان یک عضو هیئت منصفه می گویم که من موسوی و کروبی را در «فتنه ۸۸» مجرم نمی شناسم. آیا نباید این را بگویم، چون به من انتقاد می کنند؟ آقایانی که بر مرکب احساسات سوارند در آن دنیا نمی توانند جواب مراد بدهند.

آقای احمدی نژاد وقتی خواست با اینها مناظره کند، به آقای هاشمی و آقای ناطق نوری تاخت، در صورتی که آنها نه نامزد بودند و نه مطرح. این نمونه تنازع است. هر چه ایشان در مقابل مهندس موسوی و دیگران گفته باشد، می تواند رقابت باشد، اما چرا به آقای هاشمی فسنجانی و آقای ناطق نوری حمله کردند. بنده معتقدم باید جلوی این نوع رفتارها گرفته شود.»

حبیب الله عسگر اولادی مسلمان در ۱۴ آبان ۱۳۹۲ پس از دو ماه از جراحی قلب دچار عارضه ریوی شد و به دعوت حق لیبک گفت.

و مشکل بی سرپرستی خانواده و فرزندانش را طرح می کند که مورد موافقت نصیری واقع می شود و نهایتاً او به همراه مهدی عراقی، آیت الله انواری و ابوالفضل حاج حیدری (پس از شرکت دادن آنها در جشن سیاسی) به مناسبت «بزرگداشت پینجاه سال شاهنشاهی پهلوی و روز بزرگداشت رفع خطر از وجود شاه» در ۱۳۵۵/۱۱/۱۴ از زندان آزاد شدند. اجرای برنامه جشن سیاسی در بهمن ماه سال ۱۳۵۵ در سالن زندان قصر با حضور ۶۶ نفر از زندانیان سیاسی انجام گرفت. به این نحو که حکومت پس از پخش این برنامه کسانی را که توبه و اظهار پشیمانی کردند، از بند آزاد می کند به همین دلیل این مراسم را از تلویزیون پخش کردند و در روزنامه ها این جریان با تعدادی عکس منتشر شد. البته بسیاری از این چهره ها دربار حاضر در جشن سیاسی گفته بودند: «بدون اطلاع در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته و بدون هیچ گونه خبری از این مراسم با چشم بسته به سالن آورده شده بودند و به همین دلیل تا مدتی گیج و سردرگم بودند که چه شده و چه اتفاقی افتاده است.» عسگر اولادی درباره ماجرای جشن سیاسی گفته است: «در سال ۱۳۵۴ به دلیل اختناق سیاسی جامعه و شرایط نگران کننده ای که از این اختناق احساس می شد، دولت آمریکا به شاه فشار آورد که فضای سیاسی را باز کند. لذا رژیم ناگزیر بود تعدادی از زندانیان سیاسی را آزاد کند. به واسطه بعضی از علمای بزرگ سفارش هایی از امام (ره) به ما رسید که شمایک مطلب ساده ای بنویسد تا آزاد شوید. بنده یک عذر خواهی ساده نوشتم.»

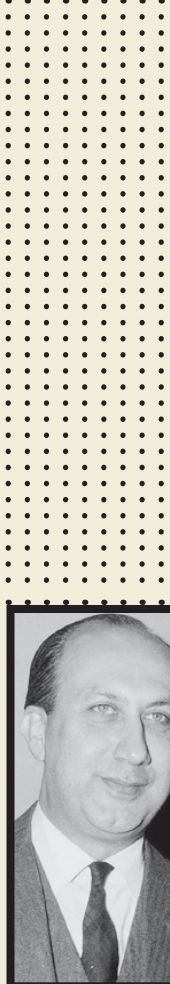
**آزادی از زندان و فعالیت ها تا پیروزی انقلاب اسلامی**

عسگر اولادی در تاریخ ۱۳۵۵/۱۱/۱۴ و پس از گذشت ۱۲ سال از زندان آزاد شد. او بلافاصله پس از آزادی از زندان مجدداً با دوستان مبارز خود ارتباط برقرار کرد و فعالیت های خود را از سر گرفت. نمونه آن شرکت در صدور اطلاعیه مجلس ترحیم مادر آقای دکتر عباس شیبانی از مبارزان قدیمی نهضت اسلامی است. برای این مراسم سه اطلاعیه در روزنامه کیهان ۱۳۵۶/۲/۱۶ صادر شده بود. دو اطلاعیه از طرف علمای مبارز و یک اطلاعیه توسط غیرروحانیون از جمله عسگر اولادی صادر شد تا همگان را برای شرکت در مراسم روز ۱۳۵۶/۲/۱۷ در مسجد ارک دعوت نماید.

از دیگر فعالیت های عسگر اولادی پس از آزادی از زندان، برنامه ریزی برای شروع به کار در هیئت های مؤتلفه اسلامی بود. اطلاعات زیاد عسگر اولادی از جریانات سیاسی و تحولات انقلابی و هماهنگی وی با دیگر نیروهای نهضت اسلامی بالاخص با علما و روحانیون مبارزی همچون شهید مطهری و شهید بهشتی در تدارک اعلامیه ها و تظاهرات و کمک به اعتصابیون و خانواده زندانیان و تبعیدشدگان سیاسی و نفوذیکی از منابع ساواک در جلسات ایشان و مبارزین در سال ۱۳۵۷، موجب شد تا ساواک احساس خطر کند و دستور مراقبت جدی از عسگر اولادی و حفاظت کامل و همه جانبه منبع نفوذی برای ادامه کار و لو رفتن وی صادر نماید. تا جایی که فاطمه کلانی، همسر اول عسگر اولادی در تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۵۷ به دلیل برقراری حکومت نظامی و عدم اجازه فرمانداری نظامی برای انتقال او بیمارستان برای وضع حمل، فقط به این دلیل که همسر عسگر اولادی بود به همراه کودکش فوت شد. فعالیت های انقلابی حبیب الله عسگر اولادی تا زمان سفر امام خمینی به پاریس ادامه داشت تا اینکه در آبان سال ۱۳۵۷ از طرف مرتضی مطهری و محمد بهشتی، مأموریت می یابد تا به پاریس رفته و دو پیام را به امام رسانده و پاسخ آن را بیاورد. بار دوم نیز در دی ماه همان سال برای رساندن پیامها و تقاضاهای بزرگان، عازم پاریس می شود و نهایتاً در ۱۲ بهمن به همراه امام خمینی (ره) وارد ایران می شود.

**مسئولیت های پس از پیروزی انقلاب اسلامی**

عسگر اولادی به عنوان شخصیت مورد تأیید امام، رهبری و بزرگان انقلاب و نظام مسئولیت های بسیاری را پذیرا شد. او همراه با مهدی کروبی و حبیب الله شفیق در تشکیل کمیته امداد امام خمینی با حکم امام در اسفند ۱۳۵۷ نقش آفرینی کرد و پس از آن هم از جمله فعالیت های او در حوزه سیاست: ۱. نمایندگی مجلس اول و ۲. نامزد ریاست جمهوری در دوم مرداد سال ۱۳۶۰ از سوی هیئت مؤتلفه اسلامی بود که البته در همین زمان از سوی منافقین به جان وی سوه قضایی شود.



عسگر اولادی و اعضای مؤتلفه اسلامی در دادگاه اعزام حسینی منصور

**در پی ترور حسنعلی منصور، عسگر اولادی به اتهام شرکت در ترور او دستگیر می شود.**

عسگر اولادی در همان ابتدای تأیید حکم حبس ابد خود تصمیم می گیرد که ایام زندان را به دوره هایی تقسیم کند، برای هر دوره اقدام لازم و ممکن را انجام دهد. یکی از این اقدامات، ادامه تحصیل برای اخذ دیپلم و تحصیل دانشگاهی به صورت مکاتبه ای، آموزش زبان انگلیسی، ادامه تحصیلات حوزوی و آموزش تفسیر قرآن و معارف اسلامی، مطالعه مستمر کتاب و نوشتن ترجمه و تفسیر قرآن و موضوعات مورد علاقه اش است. او با وجود موانع بسیار در زندان در تحقق این خواسته ها، توانست بسیاری از این اهداف را به ثمر بنشاند. او در تمام دوران زندان نزد علمای هه پند مانند آیت الله طالقانی، آیت الله منتظری، آیت الله ربانی شیرازی و آیت الله انواری تعلیم دید. همچنین او در این دوره در کنار سایر چهره های روحانی و مذهبی در زندان های مختلف، دست به مبارزه با مخالفان دیدگاه مذهبی یعنی توده ای، فدائی و سازمان مجاهدین خلق زد. او خود بر خوردش با گروه ها در زندان ها را به سه دوره ۱. نیکخواه، ۲. جزئی ۳. فدائی ها و مجاهدین تقسیم می کند.

**تقاضای آزادی از زندان**

ابزار ندانم و تقاضای عفو در میان زندانیان سیاسی آن دوران، امر نامعمولی نبود و برخی برای خلاصی از شکنجه و آزار و آزادی از زندان برای ادامه مسیر انقلابی از این حربه استفاده می کردند. این شیوه و تاکتیک را برخی از مبارزین زندانی اعم از مذهبی و غیرمذهبی می پذیرفتند و برخی نیز نمی پذیرفتند. عسگر اولادی و مهدی عراقی از جمله افرادی بودند که تا مدت ها استفاده از این روش را نپذیرفتند؛ حتی پس از توصیه آیت عظام سیدمحمدهادی میلانی و سیدابوالقاسم خونی برای نوشتن ندامت نامه و تقاضای عفو و خلاصی از زندان، این کار را نکردند. عسگر اولادی در جواب این تقاضاها گفته بود: «ارادام این است که مسلمان بپریم، نه اینکه قهرمان بپریم. البته در نهایت او هم عفونامه نوشت.

عسگر اولادی در بهمن سال ۱۳۴۳ دستگیر و محکوم به حبس ابد شده بود و پیام آیت عظام طبق گفته او پنج یا شش سال پس از سپری شدن زندان یعنی در سال ۱۳۴۸ یا ۱۳۴۹ به ایشان و هم پندان او رسیده بود و عدم تشخیص وظیفه در عمل به این توصیه ها تا سال ۱۳۵۲ ادامه داشت و این گفتار با اسناد پرونده او در ساواک مطابقت دارد؛ زیرا اولین درخواست عفو عسگر اولادی خطاب به شاه در فروردین سال ۱۳۵۲ در زندان مشهد نگاشته شده است و این امر نشان می دهد که او سه یا چهار سال پس از توصیه آیت عظام، مصلحت را در پذیرش سفارش ایشان دانسته است. البته این تقاضا مورد موافقت ریاست ساواک یعنی نعمت الله نصیری قرار نمی گیرد. سپس در دی ۱۳۵۵ خطاب به خود از تشبید نصیری نامه می نویسد



عسگر اولادی و اعضای مؤتلفه اسلامی در دادگاه اعزام حسینی منصور